

Research Article

A Phenomenological Study of Women's Lived Experiences of Domestic Violence During the COVID-19 Pandemic

O. Shokri¹, A. Khodaei² & Sh. Moezzodini³

1. Assistant Professor, Educational Psychology, Shahid Beheshti University. Email: oshokri@yahoo.com

2. Assistant Professor, General Psychology, Payam Noor university.

3. M.A in General Psychology, Shahid Beheshti University.

Abstract

Aim: Past studies investigating the phenomenon of Intimate Partner Violence against women employed mainly quantitative methods, yielding significant findings in prevalence rates and causes of this experience. However, there is a need for more qualitative studies to provide the rich details in order to develop more congruent concept of domestic violence during the COVID-19 Pandemic. **Method:** A phenomenological design was used in this study to investigate women's "lived experiences" of domestic violence and how they managed these experiences. The sample consisted of 25 women victims of domestic violence who referred to a counseling center in Tehran for counseling services. The data were collected through online in-depth semi-structured individual interviews. After recording and rewriting the interviews, the available data were analyzed by the application of Colaizzi's method. **Results:** Two major themes were extracted from the analysis, including the autonomous motivation orientation and controlled motivation orientation toward romantic relationships. In addition, based on the results, subthemes of the aforementioned major themes were as follows: causal attributions, goal orientations, emotion regulation, empathetic response, cognitive appraisals, assertiveness, social problem solving, positive perception of others, positive feelings for others, coping and mental sets. **Conclusion:** The results showed that in a situation where the family is under pressure, for some men the only way to take care of their powerful position, is to seek harsh and authoritarian methods. Therefore, the use of interventions based on social empowerment to strengthen men's psychological capital and skill treasury has an important role.

Key words: Domestic violence, COVID-19, motivation orientations, phenomenology

Citation: Shokri, O., Khodaei, A., & Moezzodini, Sh. (2021). A Phenomenological Study of Women's Lived Experiences of Domestic Violence During the COVID-19 Pandemic. *Quarterly of Applied Psychology*, 15(3):381-402.

تحلیل پدیدارشناختی تجربه زیسته زنان درباره خشونت خانگی در دوران قرنطینه کوید ۱۹

امید شکری^{۱*}، علی خدائی^۲ و شیرین معزالدینی^۳

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: oshokri@yahoo.com

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، کردستان، ایران.

۳. کارشناس ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: در مطالعات پیشین، محققان توانسته‌اند با استفاده از روش‌های کمی، درباره علل و پیامدهای پدیده خشونت خانگی علیه زنان به نتایج بااهمیتی دست یابند. پس از پدیدایی کرونا و تجربه زیست قرنطینه‌ای در شرایط اپیدمی این بیماری و افزایش نرخ شیوع خشونت خانگی، تحلیل تجربه زیسته زنان قربانی خشونت خانگی برای دستیابی به فهمی عمیق از این پدیده مهم است. **روش:** برای تحلیل تجربه زیسته زنان قربانی خشونت خانگی از طرح پدیدارشناختی توصیفی استفاده شد. گروه نمونه شامل ۲۵ زن قربانی خشونت خانگی بودند که برای دریافت خدمات مشاوره‌ای به یکی از مراکز مشاوره در شهر تهران مراجعه کردند. داده‌های پژوهش حاضر از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته به صورت فردی و به شکل آنلاین جمع‌آوری شد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش کلایزی تحلیل شدند. **یافته‌ها:** پس از تحلیل داده‌ها، دو مضمون اصلی شامل جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر خودمختاری و جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر کنترل‌گری استخراج شدند. نتایج همچنین نشان داد که خرده‌مضمین ذیل هر مضمون اصلی شامل اسنادهای علی، جهت‌گیری‌های هدفی، نظم‌بخشی هیجانی، پاسخ‌دهی همدلانه، ارزیابی‌های شناختی، ابرازمندی، دفاعی بودن، تاملی بودن، واکنشی بودن، حل مسئله اجتماعی، ادراک مثبت از دیگران، احساسات مثبت نسبت به دیگران، راهبردهای مقابله‌ای و آمایه‌های ذهنی بودند. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در شرایط فزون‌یافتگی تجارب فشارزای درون‌برون‌خانوادگی، برای مردانی با فقر در منابع مقابله‌ای، تنها مسیر باقیمانده برای مراقبت از جایگاه مردانه خود و حفظ آن، در بافت تعاملات درون‌خانوادگی، بر جستجوی تدابیری آمرانه، قهرآمیز و خشن استوار می‌شود.

کلید واژه‌ها: خشونت خانگی، کووید ۱۹، جهت‌گیری‌های انگیزشی، پدیدارشناسی

استناد به این مقاله: شکری، امید، خدائی، علی، و معزالدینی، شیرین. (۱۴۰۰). تحلیل پدیدارشناختی تجربه زیسته زنان درباره خشونت خانگی در دوران قرنطینه کوید ۱۹. فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، ۱۵ (۳ پیاپی ۵۹): ۴۰۲-۳۸۱.

مقدمه

خشونت شریک عاطفی علیه زنان^۱ دارای همه‌گیری جهانی است و در همه طبقات، نژادها، سنین و مذاهب دیده می‌شود (کینیژاد، هانلان و هاوارد، ۲۰۲۰؛ موریرا و کاستا، ۲۰۲۰؛ گلدر و همکاران، ۲۰۲۰). طبق اعلامیه سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۳)، خشونت علیه زنان شامل هر عمل خشونت‌بار جنسیت‌محوری است که برای زنان با آسیب‌های جسمانی، جنسی یا روان‌شناختی همراه می‌شود. این اعمال آزارنده شامل تهدید، زورگویی و قلداری کردن و محروم‌سازی از آزادی‌ها است. متعارف‌ترین شکل خشونت بر علیه زنان در سراسر جهان، خشونت خانگی^۲ یا خشونت جسمانی و هیجانی و آزار جنسی زنان به وسیله شریک عاطفی آن‌ها است (ویرو، باربارا، مانتیسی، کاسترمن و کاتانیو، ۲۰۲۱؛ سالون، سالانو و آلریدی، ۲۰۱۵). به بیان دیگر، خشونت خانگی به عنوان یک موضوع سلامت عمومی، ناظر بر خشونت است که اغلب مردان در بافت یک رابطه صمیمانه نسبت به شریک عاطفی خود نشان می‌دهند (بارناوی، ۲۰۱۷؛ کاستا و باتیلیه‌رو، ۲۰۲۰). مرور نتایج مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که پدیده خشونت خانگی، در تمامی وهله‌های تجربه روابط صمیمانه از نخستین روزهای شروع رابطه تا دوره سالمندی مشاهده می‌شود (نیکدل و صادقیان، ۱۳۹۸؛ کیانی، ۱۳۹۳؛ سندرس، ۲۰۱۵)

مرور شواهد تجربی نشان می‌دهد که در خلال سال‌های گذشته محققان مختلف همواره کوشیده‌اند ضمن تصریح دلایل ظهور و بروز پدیده خشونت خانگی با تأکید بر سازوکارهایی واسطه‌ای و تعدیل‌گر، درباره پسايندها و مخاطرات چندگانه این پدیده نیز مطالعات دقیقی را انجام دهند (دایلی، ۲۰۲۰؛ جوزف، میشر، بانداری و داتا، ۲۰۲۰؛ بورمان و برکس‌های، ۲۰۱۸). به طور کلی، نتایج این مطالعات نشان می‌دهند عوامل خطر معطوف بر تجارب آزارنده درون‌خانوادگی در بافت تعامل زوجین با تأکید بر نقش عواملی فردی مانند مشکلات سلامت روانی (کرونی، جان، اینسمینگر، بایر - میریت و داگان، ۲۰۱۲)، رگه‌های شخصیتی (پریا، آزیردا، موریرا، براندائو و آلمیدا، ۲۰۲۰)، جهت‌گیری‌های علی معطوف بر رابطه^۳ (آوراپ، هادن، کنی و رودریگیز، ۲۰۱۷؛ هادن، اسمیت و کنی، ۲۰۱۴)، سوگیری‌های ادراکی در شناخت اجتماعی^۴ و سوگیری‌های اسنادی خصمانه^۵ (کلیمنتس و اسچامچر، ۲۰۱۰) و عواملی بافتاری مانند تجربه بدرفتاری کودکی^۶ (لی، ژائو و یو، ۲۰۲۰) و بحران‌های اقتصادی (مازا، مارانو، لای، جانیری و

^۱- Intimate Partner Violence (IPV) against women

^۲- domestic violence

^۳- relationship-based causal orientations

^۴- perceptual biases in social cognition

^۵- aggressive attributional biases

^۶- childhood maltreatment

سانی، ۲۰۲۰) و برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند قابل تبیین است. همچنین، نتایج مطالعات مختلف نشان داد که مهمترین پساایندها و مخاطرات خشونت خانگی نسبت به زنان شامل کودک آزاری (لیل، آلریچ، لورنز، ایکارست، فلاک و والپر، ۲۰۲۰)، فقدان امنیت روانی (گالاتی و کلی، ۲۰۲۰؛ دانش، شربتیان و طوافی، ۱۳۹۶)، آشفتگی روان شناختی (استیلیانو، ۲۰۱۸؛ دایلی و مک ویلیامز، ۲۰۱۹)، ایده پردازی خودکشی (گیس، دانکلی و جیوکیس، ۲۰۱۸) و اختلال استرس پس از سانحه^۱ می شود (کاستا و باتلهیرو، ۲۰۲۰).

یکی دیگر از موضوعاتی که محققان در تحلیل نظامدار پدیده خشونت خانگی و آزار شریک عاطفی آن را مورد توجه قرار داده اند این است که چرا برخی زنان با وجود متحمل شدن آسیب های مختلف، همچنان آن روابط آزارنده را ادامه می دهند و در روابط می مانند. در مطالعه پیرا و همکاران (۲۰۲۰) که با هدف تحلیل نظامدار ویژگی های شخصیتی قربانیان خشونت خانگی انجام شد نتایج نشان داد که زنان به عنوان قربانیان خشونت خانگی زمانی در این روابط آزارنده با شریک عاطفی خود می مانند که در دوره کودکی در معرض خشونت قرار گرفته اند، از نظر اقتصادی وابسته هستند، از منابع حمایتی لازم برخوردار نیستند و درباره زندگی و آینده فرزندانشان احساس نگرانی می کنند. البته نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که برخی ویژگی های شخصیتی قربانیان نیز آن ها را مستعد ماندن در رابطه آزارنده قرار می دهد. این زنان اغلب نمرات بالایی را در اسکیزوئید، اجتنابی بودن، خودآسیب زنی، دوقطبی بودن و در خصیصه پارانوئید گزارش می کنند. بنابراین، زنان قربانی از ویژگی هایی مانند عزت نفس پایین، گوشه گیری اجتماعی و خانوادگی، وابستگی اقتصادی و هیجانی، احساس نامنی، احساس حقارت، فرمانبرداری و آرام سازی برخوردارند. کاستا و باتلهیرو (۲۰۲۰) نشانه های اختلال استرس پس از سانحه را با واسطه مندی سبک های دلبستگی ناایمن در گروهی از زنان پرتغالی قربانی و غیرقربانی خشونت خانگی مطالعه کردند. نتایج نشان داد که در بین برخی از قربانیان خشونت خانگی، نشانه های اختلال استرس پس از سانحه با تجربه رابطه آزارنده با شریک عاطفی، رابطه داشت. زنانی قربانی خشونت در مقایسه با زنان غیرقربانی خشونت، در نشانه های اختلال استرس پس از سانحه و دلبستگی اضطرابی نمرات بالاتری گزارش کردند. نتایج نشان داد که پرخاشگری روان شناختی، خشونت جسمانی همراه با ضرب و جرح و دلبستگی اضطرابی به طور معناداری با نشانه های اختلال استرس پس از سانحه رابطه نشان دادند. در حالی که پس از کنترل عوامل اجتماعی و جمعیت شناختی، سبک دلبستگی وابسته با نشانه های اختلال استرس پس از سانحه رابطه نشان نداد. همچنین، نتایج نشان داد که سبک های دلبستگی اضطرابی و وابسته به طور نسبی در رابطه

¹- post traumatic stress disorder

بین خشونت جسمانی و نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه میانجیگری کرد. نتایج مطالعه حاضر با تأکید بر نقش دلبستگی اضطرابی در تبیین اثرات خشونت خانگی بر نشانه‌های استرس پس از سانحه نشان داد که متخصصان می‌توانند با توسعه مداخلات روان‌درمانگری مؤثر، نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه را در بافت رویارویی با تجربه خشونت خانگی کاهش دهند. در مطالعه کیفی تابالونی، دالیمو و ساسانتی (۲۰۱۹) که با هدف تحلیل تجربه زیسته زنان را درباره خشونت خانگی و با رویکردی پدیدارشناختی انجام شد، نتایج نشان داد که پنج مضمون تغییر رفتار همسران، علل خشونت خانگی، اشکال خشونت خانگی، تأثیر خشونت خانگی بر مفهوم خود و خودتوانمندسازی قابل استخراج است.

با وجود تراکم اطلاعاتی درباره عوامل خطر و پیامدهای چندگانه اشکال مختلف خشونت خانگی در خلال سال‌های گذشته، مواجهه با تجربه تروماتیک بیماری کوید ۱۹ و گستردگی غیرقابل انکار اثرات این رخداد بر عرصه‌های مختلف حیات آدمی سبب شده است تا محققان علاقه‌مند به قلمرو روان‌شناسی خانواده، آثار بیماری کوید ۱۹ را در دوران قرنطینه خانگی بر سلامت رابطه درون‌خانوادگی افراد مطالعه کنند. برای مثال، برخی از محققان با فهمی واقعی و اصیل از مخاطرات بیماری کوید ۱۹ و ضرورت محافظت از سلامت روانی و جسمانی کودکان در دوران قرنطینه خانگی، بر پربارسازی مدل روابط درون‌خانوادگی بین اعضا تأکید کرده‌اند (برایت، بارتن و کاسکی، ۲۰۲۰). در چنین شرایطی، برخی محققان یادآور شده‌اند که استرس ناشی از پیامدهای چندگانه قرنطینه خانگی از طریق افزایش سطح تعارضات بین‌فردی، زمینه فزون‌یافتگی تجربه خشونت خانگی بر علیه زنان را سبب شده است (مازا و همکاران، ۲۰۲۰). شواهدی از این دست نشان می‌دهد که اگر فقر در خزانه مهارتی افراد می‌تواند در دوران خطر شیوع بیماری کوید ۱۹، آستن خطر دیگری مانند اشکال مختلف خشونت خانگی واقع شود، تلاشی نظام‌دار برای فهم عوامل خطر این پدیده و دغدغه‌مندی برای کنترل آن، به منظور حفاظت بیش از پیش از سلامت اعضای خانواده؛ آن هم از طریق غنی‌سازی مهارت‌های تعامل بین‌فردی، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، محققان در مطالعه حاضر خواهند کوشید تا تجربه زیسته گروهی از زنان قربانی خشونت خانگی را درباره پدیده روابط آزارنده در بافت تعامل با شریک عاطفی خویش از نظر معنایی واکاوی کنند.

روش

مرور شواهد تجربی در قلمرو مطالعاتی روابط آزارنده درون‌خانوادگی در دوران همزیستی اجباری در شرایط شیوع بیماری کووید ۱۹ نشان می‌دهد که یکی از تعیین‌کننده‌ترین علل توضیح‌دهنده

خشونت خانگی بر علیه زنان از طریق تجارب تنیدگی‌های اقتصادی و مصادیق بارز آن مانند تضعیف بنیه مالی و بیکاری قابل ردیابی است (آریناس - آرویا، فرناندز - کرانز و نولنبرگر، ۲۰۲۱؛ درخشانی همدانی و همکاران، ۲۰۲۰). اگر چه تنیدگی ناشی از بحران اقتصادی در دوران اپیدمی کرونا و متعاقب آن ترویج سبک زندگی معطوف بر «برای زنده ماندن در خانه بمان» از طریق ایجاد ناامنی مالی در تحمیل فشار روانی مضاعف بر افراد نقش غیرقابل انکاری دارد، اما مرور نتایج نشان می‌دهد که حتی در بستر فقدان دغدغه‌مندی‌های اقتصادی، عامل چالش‌آفرین خانه‌نشینی در تقویت پدیده خشونت خانگی حائز اهمیت بسیاری است. بنابراین، در پژوهش حاضر، با هدف تعمیق مضاعف تحلیل متنی مصاحبه‌ها در بطن مشابَهت‌های احتمالی در بنیه اقتصادی مشارکت کنندگان، زنانی برای مصاحبه انتخاب شدند که برای دریافت خدمات روان‌شناختی پیرامون پدیده خشونت خانگی به یکی از مراکز ارائه دهنده مشاوره‌های زناشویی در شهر تهران مراجعه کرده بودند. بنابراین، جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی زنانی بودند که با هدف دریافت خدمات روان‌شناختی و مشاوره‌ای در زمینه خشونت خانگی در متن رابطه با همسر خود به کلینیک مشاوره هستی واقع در منطقه ۲ شهر تهران، مراجعه کردند. نمونه آماری نیز شامل ۲۵ زن قربانی خشونت خانگی بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ملاک‌های ورود زنان به مطالعه حاضر شامل عدم گزارش تنیدگی‌های اقتصادی در دوران اپیدمی کرونا، وضعیت اشتغال پایدار مردان آن‌ها در دوران شیوع کرونا، عدم اشتغال زنان، داشتن فرزند یا فرزندان مدرسه‌ای و حداقل تحصیلات کارشناسی برای زنان بود. یکی دیگر از ملاک‌های ورود زنان به مطالعه حاضر این بود که آن‌ها یا همسرشان سابقه ارجاع به روان‌شناس، روانپزشک یا مشاور نداشته باشند و در حال حاضر نیز از خدمات مراکز مشاوره و روان‌درمانگری استفاده نکنند. در پژوهش حاضر، محققان با اشراف کامل بر پیشینه پژوهشی ناظر بر تحلیل پدیده خشونت خانگی در دوران اپیدمی کرونا، پروتکل مصاحبه با زنان قربانی خشونت خانگی را توسعه دادند. سؤال‌های پروتکل عبارت بودند از:

- در دوران قرنطینه خانگی به دلیل شیوع ویروس کرونا، کدام علل و ویژگی‌ها روابط زناشویی را در معرض آسیب قرار می‌دهد؟

- همسرانی که در شرایط رنجانده قرنطینه خانگی، نسبت به شرکای عاطفی خود با خشونت رفتار می‌کنند، چه ویژگی‌هایی دارند؟

- در دوران قرنطینه خانگی به دلیل اپیدمی بیماری کوید ۱۹، کدام علل، ویژگی‌ها یا توانمندی‌ها از رضامندی روابط زناشویی مراقبت می‌کند؟

- کدام همسران در این شرایط از خانواده و به طور ویژه از همسران خود در برابر شرایط فشارزای ناشی از قرنطینه خانگی مراقبت می‌کنند؟

- پیامدهای آسیب‌رسان تجربه همزیستی اجباری همسران در دوران اپیدمی بیماری کوید ۱۹ کدام است؟

- چگونه می‌توان چنین آسیب‌ها و یا تهدیدهایی را به فرصتی تعالی‌بخش برای روابط زناشویی تبدیل کرد؟

با توجه به این که هدف این پژوهش واکاوی تجربه زیسته زنان قربانی خشونت خانگی در متن رابطه آن‌ها با همسران‌شان در دوران اپیدمی کووید ۱۹ بود، پژوهش حاضر کیفی بود که با روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. در این پژوهش، مراحل انجام روش پدیدارشناسی شامل آشنا شدن با داده‌ها و خوانش اولیه، شناسایی نکات مهم و ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین، تعریف مضامین و زیرمضامین و در نهایت، تنظیم گزارش، بود (رایت، ۲۰۱۹). برای این منظور، ابتدا متن هر مصاحبه واژه به واژه خوانده شد و کدهایی اولیه در حاشیه متن یادداشت شد. به دنبال آن، کدهای اولیه استخراج و در گام بعد کدهای مشابه در کنار یکدیگر قرار گرفته و مضامین چندگانه شکل گرفتند. در نهایت، ۲ مضمون و ۱۰ زیرمضمون به دست آمد. در این پژوهش، موافق با دیدگاه مگوئیر و دیلهانت (۲۰۱۷) به منظور ارزشیابی داده‌ها اقدامات زیر انجام شد:

- ۱) از نظارت فردی دارای تجربه پژوهش کیفی در کلیه مراحل این پژوهش استفاده شد.
- ۲) از فرد دیگری خارج از پژوهش و دارای تجربه پژوهش کیفی و آشنا با دغدغه ایده محوری پژوهش (خشونت خانگی علیه زنان)، برای بررسی کدها و طبقات استخراج شده از متن مصاحبه‌ها کمک گرفته شد.
- ۳) همچنین، از طریق مطلع کردن چند مشارکت‌کننده از طبقات مفهومی استخراج شده و اعمال نظرات آن‌ها در توصیف نهایی، مضامین و زیرمضامین استخراج شده اعتباریابی شدند.
- ۴) در گزارش نهایی، نمونه‌های کلامی مشارکت‌کنندگان بیان شد.

یافته‌ها

در این بخش، محققان با هدف کمک به مکشوف‌سازی فهم زنان قربانی خشونت خانگی از دلایل وقوع این پدیده در دوران اپیدمی کرونا بر تحلیل متنی مصاحبه‌ها مبادرت ورزیدند. با توجه به تلاش هدفمند محققان برای کنترل تنیدگی ناشی از ناامنی اقتصادی در خانواده، تحلیل متنی

مصاحبه‌ها نشان داد که عمدتاً تمرکز مصاحبه شونده‌گان در ردیابی مسیرهای معطوف بر جستجوی رویه‌های قهرآمیز و آمرانه در مواجهه با تنیدگی ناشی از تجربه زیست قرنطینه‌ای در شرایط شیوع ویروس کرونا با تأکید بر جهت‌گیری‌های انگیزشی تسهیل‌کننده روابط آزارنده در متن تعاملات زناشویی معطوف بود. به بیان دیگر، تحلیل متنی پاسخ قربانیان خشونت خانگی نشان داد که اساسی‌ترین نظام مفهومی معطوف بر گزینش‌های رفتاری پرخاشگرانه در بافت تعامل با شریک عاطفی در دوران پرمخاطره زیست قرنطینه‌ای به دلیل اپیدمی کرونا بر موضع‌گیری‌های انگیزشی ارتباط‌محور مرتکب شونده‌گان خشونت خانگی مبتنی بود. بنابراین، در سطحی کلان، تعیین‌کننده‌ترین قطعات مفهومی تصویرگر یا مضامین فراگیر ناظر بر خشونت خانگی علیه زنان از چشمانداز قربانیان خشونت از طریق تحلیل متنی مصاحبه‌ها بر جهت‌گیری‌های انگیزشی مردان در بطن تعامل صمیمانه با زنان یا جهت‌گیری‌های علی‌نگرانه نسبت به رابطه، دلالت داشت. در این بخش، نتایج مطالعه حاضر همسو با مواضع مفهومی نظریه خودتعیین‌گری (ریان و دیسی، ۲۰۲۰؛ دیسی و رایان، ۲۰۰۸) نشان داد که ارتکاب خشونت نسبت به شریک عاطفی در شرایط همزیستی اجباری ناشی از زیست قرنطینه‌ای در دوران اپیدمی کرونا از طریق پیشایندهایی مانند خود - دفاعی بودن یا دفاعی بودن، نقصان نظم‌بخشی هیجانی، هدف‌گزینی‌های اجتماعی غیرانطباقی، پاسخدهی غیرهمدلانه، راهبردهای مدیریت غیرهمیارانه موقعیت‌های متعارض بین‌فردی، مشی تلافی‌نگر درباره تجارب آزارنده گذشته، احساس نیاز به تسلط و کنترل و تحریک‌شدگی از طریق پاسخ‌های هیجانی شریک عاطفی، فهم‌پذیر می‌شود. نظریه خودتعیین‌گری به مثابه یک نظریه خودنظم‌بخشی هیجانی می‌تواند در بستر اطلاعاتی مضامینی خردتر همچون هدف‌گزینی‌های اجتماعی، اسنادهای علی و سبک‌های پردازش‌گری هیجانی درباره علل خشونت بر علیه شریک عاطفی، فهم مضاعفی را سبب شود. به بیان دیگر، در پژوهش حاضر، نتایج تحلیل متنی مصاحبه‌ها با قربانیان خشونت خانگی نشان داد که جهت‌گیری‌های انگیزشی مردان بر سبک‌های بین‌فردی واکنش‌دهی آن‌ها به موقعیت‌های اجتماعی اشاره می‌کند. محققان در پژوهش حاضر دریافتند که جهت‌گیری‌های انگیزشی در بطن تعامل با شریک عاطفی، خاستگاه رجوع به نوانطباقی‌ترین وجوه پاسخدهی به مطالبات روابط بین‌فردی را شکل می‌دهد. در جدول ۱، بر تطبیق تجربه زیسته قربانیان خشونت خانگی با مفهوم‌سازی ارجح نظریه خودتعیین‌گری درباره جهت‌گیری‌های انگیزشی توضیح‌دهنده مشارکت در خشونت علیه زنان، تأکید می‌شود. در این بخش نتایج پژوهش حاضر تأکید می‌کند که افراد با خصیصه‌هایی متفاوتی مانند اسناد‌گزینی‌های علی، جهت‌گیری‌های هدفی، ارزش‌ها، اولویت‌گذاری‌های رفتاری، دیدگاه‌گیری، خود- دگرسرنشگری، فاجعه‌پنداری، نشخوارگری،

پاسخ‌دهی همدلانه، راهبردهای حل مسئله اجتماعی، تعاملات ابراز‌مندانه در برابر غیرابراز‌مندانه، مذاکره، سبک‌های پردازشگری تجارب هیجانی، آمایه‌های ذهنی، ارزیابی‌های شناختی و موضع‌گیری‌های انگیزشی در روابط حضور می‌یابند و فرض می‌شود که براینده مجموعه این ویژگی‌ها، احتمال پاسخ‌دهی خصمانه را در متن روابط بین‌فردی توضیح می‌دهد. در این جدول، مضامین اصلی و خرده‌مضامین مستخرج از تحلیل متنی مصاحبه‌ها با زنان قربانی خشونت خانگی در دوران اپیدمی ویروس کرونا فهرست شده‌اند. در جدول ۱، در سطح مضامین اصلی، بر جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر خودمختاری و جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر کنترل‌گری تأکید شده است. در جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر خودمختاری، به مثابه انطباقی‌ترین وجه انگیزشی جهت دهنده به رفتار آدمی در بافت تعاملات بین‌فردی، رفتار از طریق احساسات مبتنی بر انتخاب تنظیم می‌شود. در مقابل، در جهت‌گیری انگیزشی معطوف بر کنترل‌گری، رفتار فرد در بافت تعامل با دیگران از طریق تمایل به جهت‌دهندگی و کنترل‌گری دیگری راهبری می‌شود.

جدول ۱. مضامین پایه مکشوف شده از مصاحبه با زنان قربانی خشونت خانگی

مضامین اصلی	زیرمضامین‌ها	مقوله
جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر خودمختاری	اسنادهای علی جهت‌گیری هدفی نظم‌بخشی هیجانی پاسخ‌دهی همدلانه ارزیابی‌های شناختی ابراز‌مندی دفاعی بودن تاملی بودن واکنشی بودن حل مسئله اجتماعی ادراک مثبت از دیگران احساسات مثبت نسبت به دیگران راهبردهای مقابله آمایه‌های ذهنی	خیلی کم اتفاق می‌افتد که از کوره در رود و در تعامل با دیگران بیشتر صبورانه و مسئولانه پاسخ می‌دهد، اغلب برای احساسات دیگران احترام قائل است و با آن‌ها همدلی می‌کند، هیچگاه از بالا به دیگران نگاه نمی‌کند، در تعامل با افراد دیگر متواضع است، به ندرت عصبانی می‌شود و خیلی کم اتفاق می‌افتد که نسبت به دیگران پرخاش کند، فرد خوش‌مشربی است و با دیگران سازگارانه رفتار می‌کند، هیچ‌گاه قیافه حق به جانب به خود نمی‌گیرد، خود را نسبت به دیگران طلبکار و دیگران را نسبت به خود بدهکار نمی‌پندارد، از احساسات دیگران مراقبت می‌کند، مثبت‌اندیش است و بیشتر به ویژگی‌های مثبت دیگران توجه می‌کند، از منفی‌نگری و بدبینی می‌پرهیزد، هیچگاه از دیگران به عنوان وسیله‌ای برای تأمین نیازهای خود استفاده نمی‌کند، خودخواه و زورگو نیست، برای ارزش‌ها، تجارب و تصمیمات دیگران احترام قائل است و آن‌ها را می‌پذیرد، اغلب در روابط با دیگران، مثبت، منطقی، دوراندیش، منعطف و واقع‌نگر است، از عزت نفس بالایی برخوردار است، در گفتگو با دیگران آداب معاشرت را رعایت می‌کند، منفعت‌طلب نیست، دیگران در رابطه با او احساس راحتی می‌کنند، بی‌تکلف است، خیلی با خود و دیگران مهربان است،

		<p>هنگام عصبانیت خود را کنترل می‌کند، از تفاوت خود با دیگران و دیگران با خود آگاه است و آن‌ها را تصدیق می‌کند، اغلب خود یا دیگران را به دلیل اشتباهات سرزنش نمی‌کند، هیچ‌گاه نمی‌کوشد مشکلات را بزرگ جلوه دهد، اغلب در شرایط تعارض به راه‌حلی می‌اندیشد که رابطه حفظ شود، اغلب نگرشی غیرقضوتی دارد و خود را جای دیگران می‌گذارد، اغلب دیگران را می‌بخشند، خود و دیگران را تغییرپذیر ارزیابی می‌کنند، برای حرف‌های دیگران شنوندگان فعالی هستند، به جای تمرکز بر نکات منفی، نکات مثبت را جستجو می‌کند،</p>
<p>جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر کنترل‌گری</p>	<p>اسنادهای علی جهت‌گیری هدفی نظم‌بخشی هیجانی پاسخ‌دهی همدلانه ارزیابی‌های شناختی ابراز‌مندی دفاعی بودن تاملی بودن واکنشی بودن حل مسئله اجتماعی ادراک مثبت از دیگران احساسات مثبت نسبت به دیگران راهبردهای مقابله آمابه‌های ذهنی</p>	<p>در روابط اغلب غیرمنطقی و پرتوقع هستند، به معنای واقعی کلمه دفاعی هستند، خیلی یک‌کلام و لجوج هستند، اغلب با دیگران همدلی نمی‌کنند، در شرایط سخت اغلب بهانه‌گیر و منفی‌باف می‌شوند، زرگو، تندخو و متخاصم هستند، دیدگاه دیگران را نمی‌پذیرند و اغلب به آن‌ها احترام نمی‌گذارند، خیلی آتشین می‌اندیشند و پرخاشگرانه پاسخ می‌دهند، اغلب بدبین، خودخواه و زودرنج هستند، خیلی راحت درباره دیگران قضاوت می‌کنند، همواره مصمم هستند دیگران را کنترل کنند و به آن‌ها امر و نهی نمایند، خیلی جدی، خشک و غیرمنعطف هستند، نمی‌توانند از دیدگاه دیگران به امور بنگرند، در روابط انتظارات غیرواقع‌نگری از دیگران دارند، اغلب، جهت‌گیری اینجا و اکنون نشان نمی‌دهند، اهل بگوگو و بحث و جدل هستند، در شرایط متعارض اغلب تهاجمی عمل می‌کنند، نسبت به اشتباهات دیگران خیلی سخت‌گیر هستند، نسبت به آسیبی که به دیگران می‌زنند خیلی غیرمسئولند، چون مشکلات را فاجعه‌پندارانه تلقی می‌کنند دستیابی به راه‌حل را آن‌ها غیرممکن می‌دانند، اغلب ناامید و خشمگین هستند، در منازعه‌ها می‌کوشند تا به هر نحو ممکن پیروز میدان باشند، اغلب سرزنش‌آمیز با دیگران صحبت می‌کنند، اغلب بر هیجانات خود کنترلی ندارند، قلدرمابانه رفتار می‌کنند، خیلی سریع عصبانی می‌شوند و واکنش نشان می‌دهند، بخشنده نیستند، خیلی وقت‌ها به به خاطرات تلخ خود در رابطه با دیگران می‌اندیشند، کمتر اهل مصالحه و سازش و بیشتر به گریز و تهاجم تمایل نشان می‌دهند، اغلب زبان تلخ و گزنده‌ای دارند، اهل گذشت نیستند و بسیار به مقابله به مثل اهمیت می‌دهند، خیلی راحت دچار سوءتفاهم می‌شوند و اغلب موقعیت‌های انگیزاننده را تهدیدآمیز تلقی می‌کنند، به هیچ وجه حاضر نیستند برای</p>

		<p>اشتباهات خود از دیگران عذرخواهی کنند، برای توجیه اشتباهات خود از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند، گاهی متملق، چاپلوس و متظاهر دیده می‌شوند، نسبت به سلسله‌مراتب قدرت حساس هستند، ملاحظه دیگری را نمی‌کنند و با او نیز مؤدبانه رفتار نمی‌کنند، اجازه نمی‌دهد که حرف دیگری تمام شود و دائم حرف او را قطع می‌کند، نمی‌تواند دنیا را از دریچه چشم دیگران ببیند و یا حتی سعی نمی‌کند دنیا را کمی شبیه دیگران ببیند، دائم علاقه‌مند است بر رفتار دیگران نظارت کند و به آن‌ها امر و نهی کند.</p>
--	--	--

مضمون ۱: جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر خودمختاری. به طور کلی، فرض می‌شود که افراد علاقه‌مند به جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر خودمختاری در بافت تعامل با شریک عاطفی مشوق روابط باز هستند، قبل از آن که تکانشی باشند، تاملی هستند و در رویارویی با تجارب متعارض، کمتر به رویه‌های تهاجمی، قهرآمیز و آمرانه رجوع می‌کنند. نتایج مطالعات نشان می‌دهند که افراد رجوع کننده به جهت‌گیری علیتی مبتنی بر خودمختاری در بطن مباحثه‌های متعارض بین‌فردی بیشتر از راهبردهای مقابله‌ای حفظ‌کننده رابطه استفاده می‌کنند. این افراد کمتر در معرض هیجانات منفی هستند و در موقعیت‌های متعارض بیشتر به استفاده از رفتارهای مثبتی مانند تلاش برای فهمیدن شریک عاطفی گرایش نشان می‌دهند. در این بخش، تحلیل متنی مصاحبه‌ها با زنان قربانی خشونت خانگی نشان داد که اساسی‌ترین زیرمضامین شکل دهنده به بدنه مفهومی مضمون اصلی جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر خودمختاری شامل اسنادگزینی‌های علی انطباقی، جهت‌گیری‌های هدفی ناظر بر حفظ و تداوم رابطه، غیردفاعی بودن، غیرتکانشی بودن، راهبردهای مقابله‌سازش یافته، ابرازمندی، سبک‌های پردازش هیجانی، پاسخ‌دهی همدلانه، فرایندهای ارزیابی چالشی، احساسات مثبت نسبت به دیگران، ادراک مثبت از دیگران، آمایه‌های ذهنی و حل مسئله اجتماعی است. در این بخش، به اجمال، پاسخ مفروض زنان قربانی خشونت خانگی درباره نیمرخ ویژگی‌های شرکای عاطفی مراقبت‌گر رضامندی زناشویی و غیرعلاقه‌مند به شیوه‌های رویارویی قهرآمیز در بطن تجارب متعارض در دوران زیست‌قرنطینه‌ای به دلیل اپیدمی کرونا مرور می‌شود. رصد مفهومی دقیق پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که اساساً تمایز در نیمرخ مشخصه‌های هیجانی - شناختی همسران تسهیل‌گر و بازدارنده موقعیت‌های معطوف بر خشونت، ذیل مواضع انگیزشی و منطق راهبر آن‌ها برای مدیریت تعاملات‌شان با شریک عاطفی خود معنا می‌یابد.

این مردان پیش از آن که سرزنشگر باشند، مراقبت‌گرند و در رابطه با آن‌ها آدم احساس ایمنی و آرامش می‌کند. منظور این است که به هیچ وجه دیگران را به دلیل اشتباهات احتمالی‌شان سرزنش نمی‌کنند و در قبال آرامش خانواده خیلی احساس مسئولیت می‌کنند.

این شرکای عاطفی روح بزرگی دارند و بسیار منطقی، واقع‌بین، همدل و صبور هستند. برای دیگران خیلی احترام قائلند و می‌توانند از منظر دیگران نیز به امور بنگرند. کمتر لجوج و غیرمنعطف هستند.

اغلب وقتی با دیگری دچار تعارض می‌شوند سعی نمی‌کنند قدرت خود را به نمایش بگذارند. تحت هر شرایطی می‌کوشند راه حلی بیابند تا رابطه خود با دیگران را حفظ کنند. در شرایط متعارض غالب اوقات بر هیجانات خود کنترل دارند.

هیچ‌گاه با دیگران با تحکم صحبت نمی‌کنند. کمتر اتفاق می‌افتد که صحبت دیگران را قطع کنند. به قول معروف گارد آن‌ها در مقابل دیگران تقریباً نیمه باز است. سعی نمی‌کنند بی‌دلیل دیگران یا خود را دچار اشتباه کنند.

اغلب در شرایط مختلف پاسخ متناسبی به موقعیت‌ها نشان می‌دهند. خیلی کم اتفاق می‌افتد که بخواهند به هر طریقی به دیگران پرخاش کنند و یا حتی با آن‌ها قهر کنند. این افراد اغلب برای دیگران خیلی قابل اعتماد هستند.

هرگز منفی‌نگری نمی‌کنند. اغلب بر ابعاد مثبت مسائل تأکید می‌کنند. خیلی کم اتفاق می‌افتد که اشتباهات دیگران را بی‌دلیل بزرگ کنند و یا دائم آن‌ها را نزد خود مرور نمایند.

چنین افرادی وقتی در تعامل با دیگران شرایط خیلی پیچیده‌ای قرار می‌گیرند و احتمال می‌دهند که حضورشان رابطه را دچار تهدید کند سعی می‌کنند موقتاً و با هدف فروکش کردن حالات منفی خود از آن موقعیت دور شوند. اما هیچگاه مسئله را به طور کامل کنار نمی‌گذارند. این افراد برای حل چنین چالش‌هایی در صورت نیاز از دیگران نیز کمک می‌گیرند.

غالباً این افراد فراز و فرود رابطه را جزء لاینفک روابط بین‌فردی تلقی می‌کنند. بنابراین، در رویارویی با چنین تجربی خیلی مسئولانه و امیدوارانه نقش می‌آفرینند. خیلی کم اتفاق می‌افتد که بخواهند در موقعیت‌های متعارض غیرمتمدنانه به دیگران توهین کنند یا خود و نظرات خود را بر دیگران تحمیل نمایند.

چنین مردانی خیلی مرد هستند و مراقبت از خانواده به هر طریق ممکن در صدر دغدغه‌های آن‌ها است. این افراد بسیار فروتن و متواضع هستند و نسبت به رعایت انصاف در روابط و همدلی با دیگران نیز خیلی حساس هستند.

این افراد در روابط عاطفی، شکست دیگری را به منزله بُرد خود ارزیابی نمی‌کنند. زمان زیادی را به گفتگو با شریک عاطفی خود اختصاص می‌دهند و همواره می‌کوشند خیلی صریح درباره انتظارات واقع‌نگر خود با شریک عاطفی خود گفتگو کنند. آن‌ها هیچگاه با قلدری و تحکم با دیگران صحبت نمی‌کنند. بسیار اخلاقی و رئوف و خانواده دوست هستند. به قول معروف هیچگاه یکطرفه به قضای نمی‌روند.

مضمون ۲: جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر کنترل‌گری. این جهت‌گیری علیتی در متن روابط بین‌فردی بر موضع دفاعی افراد و تمایل آن‌ها به راهبری و جهت‌دهندگی رفتاری دیگران دلالت دارد. علاوه بر این، اغلب، تجارب بین‌فردی انگیزاننده برای چنین افرادی با خصیصه ادراکات تهدیدنگر، همراه می‌شود. افراد علاقه‌مند به این جهت‌گیری انگیزشی، انتظارات غیرواقع‌نگری درباره پویایی‌های رابطه نشان می‌دهند و برای ارتکاب خشونت در متن روابط بین‌فردی بیشتر به سازوکار توجیه‌گری پناه می‌برند. بر اساس تحلیل متنی مصاحبه‌های انجام شده با زنان قربانی خشونت، مهمترین زیرمضامین مکشوف شده از مصاحبه‌ها شامل اسنادهای علی نائطباقی، جهت‌گیری‌های هدفی بدکارکرد و سازش‌نا یافته، ارزیابی‌های شناختی تهدیدنگر، آمایه‌های ذهنی تثبیت شده، غیرابرازمندی و تهاجمی بودن، راهبردهای مقابله غیرانطباقی و عدم توانایی مذاکره بود. در این بخش، با هدف تصریح بیش از پیش موضع انگیزشی زیربنایی توضیح دهنده اجتماع زیرمضامین‌های شناسایی شده، به اجمال تعدادی از پاسخ‌های زنان قربانی خشونت خانگی بیان می‌شوند.

از نظر هیجانی و اجتماعی خیلی نابالغ و عقب مانده هستند. با کوچکترین ناراحتی کاملاً بهم می‌ریزند و متقابلاً با خشونت و تندمزاجی پاسخ می‌دهند. خیلی دیکتاتورمابانه، خشن و نامهربانه رفتار می‌کنند. کمتر به احساسات دیگران اهمیت می‌دهند.

نظارت‌گری بیش از حد آن‌ها بر رفتار شریک عاطفی‌شان بیانگر این است که آن‌ها علاقه‌مند هستند دیگران دائم بر اساس ذائقه شخصی آن‌ها رفتار کنند. آن‌ها جز برای دیدگاه خود، برای دیدگاه دیگر افراد هیچ احترامی قائل نیستند. به نظر می‌رسد از فرط رشدنا یافتگی منشی، خویش را در روابط عاطفی نزدیک، مالک بر احساس و منطق دیگران می‌دانند. تا حدی با شریک عاطفی خود مانند برده و اسیر رفتار می‌کنند.

این افراد فقط زمانی احساس رضامندی می‌کنند که دیگران به طور کامل موافق با میل آن‌ها رفتار کنند. وقتی عصبانی می‌شوند تقریباً به زحمت می‌توانند بر خود و هیجانات‌شان تسلط داشته باشند. در این شرایط هر اقدامی را از طرف دیگری توهین به خود ارزیابی می‌کنند و البته تا حد زیادی نیز زودرنج و شکننده نیز هستند.

در موقعیت‌های متعارض به دلیل عدم بلوغ روانی با هدف آن که بتوانند خود را بر شرایط مسلط نشان دهند به خشم و خشونت پناه می‌برند و در یان شرایط، علاقه‌مند هستند به هر طریق ممکن، تصویر یک فرد شکست‌ناخورده را به ذهن دیگران مخابره کنند. او می‌کوشد خود را قوی نشان دهد در حالی که در هیجان خشم غوطه‌ور است. آنچه برایش مهم است این است که بتواند پیروز آن نبرد باشد و پیروزی جز در سایه شکست دادن دیگری به دست نمی‌آید. همیشه در شرایط متعارض، بدترین تفاسیر را از وضعیت به عمل می‌آورند و به تبع آن، تمام منابع خود را برای تلافی و مقابله به مثل به کار می‌گیرند. اغلب در این شرایط دیگری را دشمن خود می‌پندارد و بنابراین خیلی آرام و قرار ندارد. اصلاً نمی‌کوشند در فضایی آرام درباره ناراحتی خود صحبت کنند. این افراد درباره ابراز وجود دچار سوءتفاهم هستند. یکجانبه‌گرایی و تهاجمی بودن بر ابزارمندی دلالت ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل پدیدارشناختی تجربه زیسته زنان درباره پدیده خشونت خانگی در شرایط زیست قرنطینه‌ای در دوران اپیدمی بیماری کرونا انجام شد. تحلیل متنی مصاحبه‌های انجام شده با زنان قربانی خشونت خانگی نشان داد که در سطحی کلان، موضع‌گیری انگیزشی مردان در متن روابط عاطفی و تمایز یافتگی در منطق ارزش‌گذاری برای یکجانبه‌گرایی در برابر چندجانبه‌گرایی در رجوع یا عدم رجوع آن‌ها به شیوه‌های خصمانه رویارویی با تجارب بین‌فردی متعارض از نقش تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. به بیان دیگر، نتایج مطالعه حاضر همسو با برخی شواهد تجربی مانند آوارپ و همکاران (۲۰۱۷)، پاتریک، کنی، کانویلو و لانسباری (۲۰۰۷)، مالر، فریدمن و دیسی (۲۰۰۶) و کنی، لانسباری، کانویلو و پاتریک (۲۰۰۵) با گستراندن مرزهای کاربردپذیری نظریه خودتعیین‌گری (ریان و دیسی، ۲۰۲۰؛ دیسی و رایان، ۲۰۰۸) در متن روابط زناشویی نشان می‌دهد که طبق دیدگاه زنان قربانی خشونت خانگی، تمایل مردان به انتخاب یا عدم انتخاب رویه‌های آمرانه و قهرآمیز، نتیجه جهت‌گیری انگیزشی مردان و استفاده از رویکردهای انگیزشی ناظر بر استقلال در برابر کنترل‌گری در آن‌ها است.

تحلیل متنی مصاحبه‌ها نشان داد که همسو با شواهد نظری و تجربی، مجموعه کثیری از انتخاب‌های مفهومی ناظر بر نیمرخ توانش‌های هیجانی، اجتماعی و شناختی در موقعیت‌های متعارض بین‌فردی در تمایزگذاری بین جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر استقلال و جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر کنترل‌گری مؤثر واقع می‌شود (آوارپ و همکاران، ۲۰۱۷؛ کنی، پارتو و رادریگیوز، ۲۰۱۴). در این بخش، نتایج تحلیل متنی مصاحبه‌ها به کشف زیرمضامینی مانند

جهت‌گیری‌های هدفی، اسنادگزینی‌های علی ارتباطی، مهارت‌های حل مسئله اجتماعی، سبک‌های نظم‌بخشی هیجانی، پاسخ‌دهی همدلانه، فرایندهای ارزیابی شناختی، دفاعی بودن، تاملی بودن، راهبردهای مقابله با موقعیت‌های متعارض بین‌فردی، ادراک مثبت از دیگران، احساسات مثبت نسبت به دیگران، تعاملات ابرازمندان، فن مذاکره و آمایه‌های ذهنی منجر شد. مرور شواهد نشان می‌دهد که برخی از محققان کوشیده‌اند از طریق توسعه مدل‌هایی مانند رویکرد پردازش‌گری شناختی اطلاعات اجتماعی^۱ (داج، ۲۰۰۶؛ فرایزر، تامپسون، دای و ماک، ۲۰۱۴؛ فرایزر، لی، کاپر و دای، ۲۰۱۱؛ شگری، صالحی فدردی، فتح‌آبادی، نجاتی و ذبیح‌زاده، ۱۳۹۹) یا رویکرد حل مسئله اجتماعی^۲ (جیانگ، لیان و هابنر، ۲۰۱۶) بر نقش تفسیری برخی از این قلمروهای مفهومی مانند اسنادهای علی ارتباطی، ارزیابی‌های شناختی، هدف‌گزینی‌های اجتماعی، سبک‌های نظم‌بخشی هیجانی، راهبردهای مدیریت موقعیت‌های متعارض بین‌فردی و مهارت‌های تعاملات ابرازمندان در پیش‌بینی کنش‌وری بین‌فردی افراد در بافت‌های ارتباطی مختلف تأکید کنند. به طور کلی، در این بخش، نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که تغذیه‌شدگی و یا فقر ناظر بر برخی کیفیت‌های روانی مانند جهت‌گیری‌های هدفی (هادن و همکاران، ۲۰۱۴)، اسنادگزینی‌های علی (لیلا، آلیور، کاتلا - مینانا، گالیاننا و گارسیا، ۲۰۱۴؛ کلیمنتس و اسچاماجر، ۲۰۱۰)، ارزیابی‌های شناختی (سنکانس، مک‌ایوان و آگلوف، ۲۰۲۰) و راهبردهای مدیریت تجارب انگیزاننده بین‌فردی (کلاری، والسکیوز، مارتوریل، فرناندز، دنیه و مانتاگیو، ۲۰۲۱) به طرز چشمگیری، در بستر سرمایه روانی و خزانه مهارتی افراد در مواجهه با تجارب چالش‌زا، در تصریح مدل نقش‌آفرینی اجتماعی آن‌ها مؤثر واقع می‌شود. همسو با دغدغه مفهومی نظریه خودتعیین‌گری (رایان و دیسی، ۲۰۲۰؛ دیسی و رایان، ۲۰۰۸)، جهت‌گیری‌های انگیزشی مبتنی بر استقلال و خودکنترل‌گری در تامین منطق مفهومی پیوند بین زیرمضامین چندگانه اسنادهای علی ارتباطی، ارزیابی‌های شناختی، هدف‌گزینی‌های اجتماعی، سبک‌های نظم‌بخشی هیجانی و راهبردهای مدیریت موقعیت‌های متعارض بین‌فردی از نقش غیرقابل انکاری برخوردار هستند. بر این اساس، همسو با آموزه‌های نظریه خودتعیین‌گری (ریان و دیسی، ۲۰۲۰؛ دیسی و رایان، ۲۰۰۸) تمایل به استفاده از هدف‌های پیشرفت اجتماعی معطوف بر حفظ رابطه، اسنادهای علی ارتباطی سازش‌یافته، راهبردهای همیارانه مدیریت موقعیت‌های متعارض بین‌فردی، راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌محور، ارزیابی‌های شناختی توانمندساز و مهارت‌های تعاملات ابرازمندان، بیانگر جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر استقلال و ناظر بر رویکردی است که

1- social information processing

2- social problem solving

در متن رابطه با شریک عاطفی بر تقدم چندجانبه‌گرایی بر یک‌جانبه‌گرایی، تاملی بودن بر تکانشی بودن، غیردفاعی بودن بر دفاعی بودن، غیرقضاوتی بودن بر قضاوتی بودن و همچنین، بر ارزش‌گذاری برای سبک حل تعارض همیارانه در برابر سبک حل تعارض رقابتی و اجتناب‌محور، ابرازمندی در برابر تهاجمی بودن، تنگ‌اندیشی و متعصب بودن در برابر فراخ‌اندیشی و وسعت‌نظر، مسئله‌محوری در برابر هیجان‌محوری، برابرنگری (مساوات و انصاف) در برابر برتری‌جویی، پرسش‌گری در برابر حملات فردی یا حملات متقابل، دیدگاه‌گیری در برابر غیرحساس بودن نسبت به نیازها و ادراکات دیگران، انتظارات واقع‌نگرانه از دیگران در برابر انتظارات غیرواقع‌نگرانه، جستجوی راه‌حل‌ها در برابر تصمیم‌گیری برای سرزنش‌گری دیگری، تعقیب هدف‌های برد - برد در برابر هدف‌های برد - باخت یا باخت - برد و در نهایت، توافق درباره عدم توافق در صورت عدم دسترسی به راه‌حل برای تجارب متعارض، دلالت دارد (زارع باغبیدی و اعتمادی‌فرد، ۱۳۹۹؛ آبیلاس - لاند، پاینی - مارتینز، گونزالز - کاسترو و نیئا - گونزالز، ۲۰۲۰؛ سانچز و لوپز - زافرا، ۲۰۱۹؛ محمودپور، دهقانپور، یوسفی و ایجادی، ۱۳۹۹).

در مقابل، در جهت‌گیری انگیزشی مبتنی بر کنترل‌گری، خاستگاه راهبری افراد در متن روابط عاطفی بر تمایل فرد بر جهت‌دهندگی و کنترل‌گری دیگری استوار است. در این شرایط، پیش از آن که در بستر باورمندی واقعی به تمایز یافتگی و فردیت افراد، از استقلال‌اندیشه و رفتار آن‌ها حمایت شود، با اعتبارزدایی از وجه مستقلانه تصمیم‌سازی و تصمیم‌آفرینی آنها، دیگری را در محدوده کنترل خویش تعریف می‌کنند. در این پژوهش، زنان قربانی خشونت خانگی تأکید می‌کنند که خاستگاه نرم‌افزارانه اشکال مختلف پرخاشگری مردان در متن تعامل با آن‌ها بیش از پیش بر فقر در خزانه مهارتی مردان در مواجهه با تجارب چالش‌زای بین‌فردی دلالت دارد. بنابراین، طبق دیدگاه زنان قربانی خشونت خانگی، تامل بر پدیده خشونت خانگی علیه زنان به طرز پرواضحی بر نابسندگی نیمرخ کیفیات روانی شرکای عاطفی آن‌ها در وجوه هیجانی، شناختی و اجتماعی در رویارویی با موقعیت‌های فشارزا اشاره می‌کند. بنابراین، اثرگذارترین قلمروهای تصریح‌کننده عدم کفایت‌مندی روانی مردان مهاجم طبق دیدگاه همسران‌شان در رویارویی‌های گریز‌محور یا هیجانی، اسنادهای علی‌نااطباقی، هدف‌های اجتماعی ناظر بر نمایش قدرت و بی‌اعتنا به تداوم رابطه و شیوه‌های سازش‌نایافته نظم‌بخشی هیجانی، خلاصه می‌شود (استایرمن، پالاسیک و دیکسون، ۲۰۲۰؛ هامبرگر، لارسن و لرنر، ۲۰۱۷؛ لیلیا، گارسیا و مارگیوی، ۲۰۱۳).

در مجموع، نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بر اساس دیدگاه زنان قربانی خشونت خانگی، عدم غنای سرمایه روانی مردان و تحول‌نیافتگی آن‌ها در وجوه هیجانی و اجتماعی بستری را تدارک می‌بیند که چنین مردان مهاجمی در رویارویی با تجارب تنیدگی‌زای طبیعی مانند زیست

قرنطینه‌ای در شرایط اپیدمی بیماری کرونا، وقتی خویشتن را در مقابل چالش‌گریزناپذیر تعارض در تعاملات فی‌مابین با همسران خود می‌بینند، راه‌حل نائطباقی مواجهه خصمانه را جایگزین راهبردی مسئله‌محور قرار دهند. بنابراین، فرض می‌شود در شرایط فزون‌یافتگی تجارب فشارزای درون - برون‌خانوادگی، برای مردانی با گریزناپذیری فقر در منابع مقابله‌ای، تنها مسیر باقیمانده برای مراقبت از جایگاه مردانه خود و حفظ آن، بر اخذ تدابیری آمرانه، قهرآمیز و خشن در بافت تعاملات درون‌خانوادگی استوار شود. بنابراین، استفاده از مداخلات مبتنی بر توانمندسازی اجتماعی با هدف تغذیه سرمایه روانی و خزانه مهارتی مردان از نقش بااهمیتی برخوردار است. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که در تعداد معدودی از مصاحبه‌ها، قطع و وصل اینترنت کمی مزاحمت ایجاد کرد. علاوه بر این، انجام مصاحبه آنلاین از طریق تاثیرگذاری بر شکل‌گیری ارتباط همدلانه بین مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شوندگان در تضعیف کیفیت مصاحبه مؤثر بود. اگر چه در پژوهش حاضر، واریسی عمیق، دقیق و تفصیلی دیدگاه زنان قربانی خشونت خانگی در دوران اپیدمی کرونا، هدف قرار گرفت، اما موافق با برخی شواهد تجربی مانند چیانگ، هاوارد و باتچارت (۲۰۲۱) و پتروسکی، کاپا، پیرا، ماسون و دابان (۲۰۲۰) در دوران اپیدمی بیماری کرونا، تحلیل متنی پاسخ‌های کودکان و نوجوانان قربانی خشونت و بدرفتاری والدینی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

منابع

- دانش، پروانه، شربتیان، محمد حسن، و طوافی، پویا. (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال ۶، شماره ۱۶، ۷۲-۴۷. [پیوند](#)
- زارع باغبیدی، محبوبه، و اعتمادی‌فرد، اعظم. (۱۳۹۹). تعیین نقش واسطه‌ای مهارت ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و هیجانی و دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق. *فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۰ (۳۸)، ۱۵۰-۱۳۵. [پیوند](#)
- شکری، امید، صالحی فدردی، جواد، فتح‌آبادی، جلیل، نجاتی، وحید، و ذبیح‌زاده، عباس. (۱۳۹۹). ساخت و آزمون اثربخشی بسته آموزش شناخت اجتماعی مدرسه‌محور بر پرخاشگری فعالانه کودکان. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۷ (۶۶)، ۱۷۹-۱۶۷. [پیوند](#)
- محمودپور، عبدالباسط، دهقانپور، ثنا، یوسفی، ناصر، و ایجادی، سحر. (۱۳۹۹). پیش‌بینی صمیمت زناشویی زنان بر اساس ذهن‌آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک شده و بهزیستی اجتماعی. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۰ (۳۹)، ۱۰۲-۸۳. [پیوند](#)

کیانی، مزده. (۱۳۹۳). تجربه زنان از خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم*

سلامت، سال ۳، شماره ۱، ۲۶-۱۴. [پیوند](#)

نیکدل، فریبرز، و جاویدیان، صادق. (۱۳۹۸). طرحواره‌های شناختی پرخاشگر، شیوه‌های کنترل خشم و

رضایت جنسی با گرایش مردان به خشونت علیه زنان. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*،

۹ (۳۳)، ۵۲-۳۵. [پیوند](#)

Arenas-Arroyo, E., Fernandez-Kranz, D., & Nollenberger, N. (2021). Intimate partner violence under forced cohabitation and economic stress: Evidence from the COVID-19 pandemic. *Journal of Public Economics*, 194, 104-111. [link](#)

Barnawi, F. H. (2017). Prevalence and risk factors of domestic violence against women attending a primary care center in Riyadh, Saudi Arabia. *Journal of Interpersonal Violence*, 32(8), 1171-1186. [link](#)

Bright, C. F., Burton, C., & Kosky, M. (2020). Considerations of the impacts of COVID-19 on domestic violence in the United States. *Social Sciences & Humanities Open*, 2 (1), 100-106. [link](#)

Burman, M., & Brooks-Hay, O. (2018). Aligning policy and law? The creation of a domestic abuse offence incorporating coercive control. *Criminology and Criminal Justice*, 18(1), 67-83. [link](#)

Chiang, L., Howard, H., Butchart, A. (2021). Taking action to prevent violence against adolescents in the time of COVID-19. *Journal of Adolescent Health*, 68 (1), 11-12. [link](#)

Clare, C. A., Velasquez, G., & Martorell, G. M. M., Fernandez, D., Dinh, J., & Montague, A. (2021). Risk factors for male perpetration of intimate partner violence: A review. *Aggression and Violent Behavior, Aggression and Violent Behavior*, 56, 101532. [link](#)

Clements, K., & Schumacher, J. A. (2010). Perceptual biases in social cognition as potential moderators of the relationship between alcohol and intimate partner violence: A review. *Aggression and Violent Behavior*, 15, 357-368. [link](#)

Costa, E. C. V., & Botelho, A. A. L. P. (2020). The impact of intimate partner violence on psychological well-being: Predictors of posttraumatic stress disorder and the mediating role of insecure attachment styles. *European Journal of Trauma and Dissociation*, 20, 100110. [link](#)

Crowne, S. S., Juon, H. S., Ensminger, M., Bair-Merritt, M. H., & Duggan, A. (2012). Risk factors for intimate partner violence initiation and persistence among high psychosocial risk Asian and Pacific Islander women in intact relationships. *Women's Health*, 22, 181-188. [link](#)

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2008). Self-determination theory: A macrotheory of human motivation, development and health. *Canadian Psychology*, 49, 182-185. [link](#)

- Derakhshani Hamadani, J., ImrulHasan, M., Baldi, A. J., Hossain, S. J., Shiraji, S., AlamBhuiyan, M. S., Mehrin, S. F., Fisher, J. Tofail, F., Tipu, M. U., Grantham-McGregor, S., Biggs, B. A., Braat, S., & Pasricha, S. R. (2020). Immediate impact of stay-at-home orders to control COVID-19 transmission on socioeconomic conditions, food insecurity, mental health, and intimate partner violence in Bangladeshi women and their families: an interrupted time series. ..., 8 (11), 1380-1389.[link](#)
- Dodge, K. A. (2006). Translational science in action: Hostile attributional style and the development of aggressive behavior problems. **Development and Psychopathology**, 18, 791-814.[link](#)
- Doyle, J. L. (2020). Experiences of intimate partner violence: The role of psychological, economic, physical and sexual violence. **Women's Studies International Forum**, 80, 102-109.[link](#)
- Doyle, J., & McWilliams, M. (2019). *Transforming responses to domestic violence in a politically contested environment: The case of Northern Ireland. Feminists@ law*. 9(1). [Online], Available <http://journals.kent.ac.uk/index.php/feministsatlaw/article/view/744>.[link](#)
- Fraser, M. W., Lee, J-S., Kupper, L. L., & Day, S. H. (2011). A controlled trial of the Making Choices program: 6-month follow-up. **Research on Social Work Practice**, 21, 165-176.[link](#)
- Fraser, M. W., Thompson, A. M., Day, S. H., Macy, R. J. (2014). Impact of social-emotional skills training on the risk status of third graders. **The Elementary School Journal**, 114 (3), 1-28.[link](#)
- Gelder, N. V., Peterman, A., Potts, A., , O'Donnell, M., Thompson, K., Shah, N., & Oertelt-Prigione, S. (2020). COVID-19: Reducing the risk of infection might increase the risk of intimate partner violence. ..., 21, 100-109.[link](#)
- Gibbs, A., Dunkle, K., & Jewkes, R. (2018). Emotional and economic intimate partner violence as key drivers of depression and suicidal ideation: A cross-sectional study among young women in informal settlements in South Africa. *PLoS One*, 13(4), 194-201.[link](#)
- Gulati, G., & Kelly, B. D. (2020). Domestic violence against women and the COVID-19 pandemic: What is the role of psychiatry? **International Journal of Law and Psychiatry**, 71, 101-110.[link](#)
- Hadden, B. W., Smith, C. V., & Knee, C. R. (2014). The way I make you feel: How relatedness and compassionate goals promote partner's relationship satisfaction. **The Journal of Positive Psychology**, 9, 155-162.[link](#)
- Hamberger, L. K., Larsen, S. E., & Lehrner, A. (2017). Coercive control in intimate partner violence. **Aggression and Violent Behavior**, 37, 1-11.[link](#)
- Jiang, X., Lyons, M. D., & Huebner, E. S. (2016). An examination of the reciprocal relations between life satisfaction and social problem solving in early adolescents. **Journal of Adolescence**, 53, 141-151.[link](#)

- Joseph, S. J., Mishra, A., Bhandari, S. S., & Dutta, S. (2020). Intimate partner violence during the COVID-19 pandemic in India: From psychiatric and forensic vantage points. **Asian Journal of Psychiatry**, 54, 102-105.[link](#)
- Keynejad, R. C., Hanlon, C., & Howard, L. M. (2020). Psychological interventions for common mental disorders in women experiencing intimate partner violence in low-income and middle-income countries: a systematic review and meta-analysis. **Lancet Psychiatry**, 7, 173-90.[link](#)
- Knee, C. R., Lonsbary, C., Canevello, A., & Patrick, H. (2005). Self-determination and conflict in romantic relationships. **Journal of Personality and Social Psychology**, 89, 6, 997-1009.[link](#)
- Knee, C. R., Porter, B., & Rodriguez, L. M. (2014). Self-determination and regulation of conflict in romantic relationships. In N. Weinstein, N. Weinstein (Eds.), **Human motivation and interpersonal relationships: Theory, research, and applications** (pp. 139-158). New York, NY: Springer.[link](#)
- Li, S., Zhao, F., & Yu, G. (2020). A meta-analysis of childhood maltreatment and intimate partner violence perpetration. **Aggression and Violent Behavior**, 50, 101-109.[link](#)
- Lila, M., Gracia, E., & Murgui, S. (2013). Psychological adjustment and victim-blaming among intimate partner violence offenders: The role of social support and stressful life events. **The European Journal of Psychology Applied to Legal Context**, 5 (2), 147-153.[link](#)
- Liel, C., Ulrich, S. M., Lorenza, S., Eickhorst, A., Fluke, J., & Walper, S. (2020). Risk factors for child abuse, neglect and exposure to intimate partner violence in early childhood: Findings in a representative cross-sectional sample in Germany. **Child Abuse & Neglect**, 106, 104-110.[link](#)
- Lila, M., Oliver, A., Catalá-Miñana, A., Galiana, L., & Gracia, E. (2014). The Intimate Partner Violence Responsibility Attribution Scale (IPVRAS). **The European Journal of Psychology Applied to Legal Context**, 6 (1), 29-36.[link](#)
- Maguire, M., & Delahunt, B. (2017). Doing a thematic analysis: A practical, step-by-step guide for learning and teaching scholars. **AISHE-J: The All Ireland Journal of Teaching and Learning in Higher Education**, 9(3), 3351-33514.[link](#)
- Mazza, M., Marano, G., Lai, C., Janiri, L., & Sani, G. (2020). Danger in danger: Interpersonal violence during covid-19 quarantine. **Psychiatry Research**, 289, 113-120.[link](#)
- Moller, A. C., Friedman, R., & Deci, E. L. (2006). A Self-Determination Theory Perspective on the Interpersonal and Intrapersonal Aspects of Self-Esteem. In M. H. Kernis, M. H. Kernis (Eds.), *Self-esteem issues and*

- answers: A sourcebook of current perspectives (pp. 188-194). New York, NY, US: Psychology Press.[link](#)
- Moreira, D. N., & Costa, M. P. (2020). The impact of the Covid-19 pandemic in the precipitation of intimate partner violence. *International Journal of Law and Psychiatry*, 71, 101-109.[link](#)
- Overup, C. S., Hadden, B. W., Raymond Knee, C., & Rodriguez, L.M.,(2017) Self-Determination Theory and Intimate Partner Violence (IPV): Assessment of Relationship Causality Orientations as Predictors of IPV Perpetration. *Journal of Research in Personality*, 70, 139-155.[link](#)
- Patrick, H., Knee, C. R., Canevello, A., & Lonsbary, C. (2007). The role of need fulfillment in relationship functioning and well-being: A self-determination theory perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92(3), 434-457.[link](#)
- Petrowski, N., Cappa, C., Pereira, A., Mason, H., & Daban, R. A. (2020). Violence against children during COVID-19: Assessing and understanding change in use of helplines. *Child Abuse & Neglect*, 25, 104-111.[link](#)
- Pereira, M. E., Azeredo, A., Moreira, D., Brandão, I., Almeida, F. (2020). Personality characteristics of victims of intimate partner violence: A systematic review, *Aggression and Violent Behavior*, 52, 101-109.[link](#)
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). Intrinsic and extrinsic motivation from a self-determination theory perspective: Definitions, theory, practices, and future directions. *Contemporary Educational Psychology*, 8, 101-112.[link](#)
- Salwen, J. K., Solano, I. A., & O'Leary, K. D. (2015). Sexual coercion and psychological aggression victimization: Unique constructs and predictors of depression. *Partner Abuse*, 6(4), 367-382.[link](#)
- Sánchez, M. F., & Lopez-Zafra, E. (2019). The voices that should be heard: A qualitative and content analysis to explore resilience and psychological health in victims of intimate partner violence against women (IPVAW). *Women's Studies International Forum*, 72, 80-86.[link](#)
- Sanders, C. K. (2015). Economic abuse in the lives of women abused by an intimate partner: A qualitative study. *Violence against Women*, 21(1), 3-29.[link](#)
- Senkans, S., McEwan, T. E., & Ogloff, J. R. P. (2020). Conceptualizing intimate partner violence perpetrators' cognition as aggressive relational schemas. *Aggression and Violent Behavior*, 55, 101456.[link](#)
- Stairmand, M., Polaschek, D. L. L., & Dixon, L. (2020). Putting coercive actions in context: Conceptualizing motives for intimate partner violence perpetration. *Aggression and Violent Behavior*, 51, 101388. [link](#)

- Stylianou, A. M. (2018). Economic abuse experiences and depressive symptoms among victims of intimate partner violence. *Journal of Family Violence, 33*(6), 381–392.[link](#)
- Tubalawony, F., Daulima, N. H. C., & Susanti, H. (2019). Women's experience of domestic violence in Maluku. *Enfermería Clínica, 29*, 243-246.[link](#)
- Ubillos-Landa, S., Puente-Martínez, A., Gonzalez-Coastro, J. L., & Nieto-González, S. (2020). You belong to me! Meta-analytic review of the use of male control and dominance against women in intimate partner violence. *Aggression and Violent Behavior, 52*, 101392.[link](#)
- Viero, A., & Barbara, G. Montisci, M., Kustermann, K., & Cattaneo, C. (2021). Violence against women in the Covid-19 pandemic: A review of the literature and a call for shared strategies to tackle health and social emergencies. *Forensic Science International, 319*, 110-116.[link](#)
- WHO (2013). *Responding to intimate partner violence and sexual violence against women: WHO clinical and policy guidelines*. [link](#)
- Wright, T. (2019). Phenomenology, pedagogy, and poetry in the lives of women raising children in poverty: An approach for educational researchers. *Journal of Curriculum and Pedagogy, 12*, 1-14.[link](#)